

ششمین همایش جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان

نهاد برگزار کننده همایش: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار

(با همکاری و حمایت معنوی دادگستری بروجرد، دانشگاه امام صادق، انجمن علمی معارف دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه لرستان، آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد رفسنجان، سازمان ارشاد اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه و....)

سرمدیبر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۲۹ آذرماه ۱۴۰۲ شماره مقاله: ۲۵/۹۰۵۲۸ رده بندی کنگره: ب ۷۷۵۷/۵۶

بررسی فقهی و حقوقی حدود تادیب و تعزیر کودک با مداقه در علل، عوارض و شیوه های تادیب و تنبیه

حسین نورعلی

چکیده

نگاهی به وضع کودکان و نوجوانان در بسیاری از نقاط جهان ما را با بسیاری از مسائل و دشواریهای عظیمی که ناشی از روشهای غلط رفتار و تربیت در کودکان است آشنا می‌سازد. مطالعات تاریخی در رابطه با توجه به کودکان و نوجوانان از قرن نوزدهم به بعد آغاز گردید. آن شد تا نگرش جدید و مثبت نسبت به حقوق کودکان مبذول گردد. تشکیل صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در سال ۱۹۴۶ و تصویب پیمان نامه حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ مجمع سازمان ملل متحد و الحاق اکثریت قریب به اتفاق کشورها به این مؤسسات حمایتی کودکان همگی در راستای کمک به بهبود شرایط زندگی بهداشت رفاه و امنیت اجتماعی، آموزش و تعلیم و تربیت کودک می‌باشد بدانگونه که با اجرای صحیح آنها آحاد و جوامع ملل جهان به ویژه مقامات مرتبط با امور کودکان، والدین، سرپرستان کودک و از جمله خود کودکان قادر باشند از دنیای به مراتب قانونمندتر و انسانی تر بهره مند شوند. پدیده سوء رفتار با کودک که اولین بار بعنوان مسئله معاصر در سال ۱۹۶۴ مطرح گردید نظر بسیاری از پژوهشگران کودک را به استیفای حقوق آنها جلب نمود.

کودک یک انسان است و هر انسانی به شخصیت خویش علاقمند است، میل دارد دیگران قدرش را بدانند و به شخصیت او احترام بگذارند. کودکی که مورد تجلیل و احترام قرار میگیرد



بزرگوار، شریف و با شخصیت بار می آید و برای حفظ شخصیت خویش از کارهای زشت اجتناب خواهد کرد.

یکی از عواملی که موجب پایمال شدن شخصیت کودک می شود تنبیهات بدنی و لفظی می باشد که به طرق مختلف در جوامع بشری مورد استفاده پدران مادران و دیگر مسئولان تربیتی قرار میگیرد. تنبیه کودکان مقوله ای بس حساس و پیچیده می باشد، زیرا که ذهن کودک به علت نداشتن انعطاف پذیری ذهن یک فرد بالغ، تحمل کوچکترین اشتباه والدین و مرییان را ندارد. یک فرد بالغ توانایی برداشت انتزاعی را دارد اما ذهن کودک چون در مرحله غیرانتزاعی (Concrete) است هر اشتباهی میتواند موجب شکل گیری غلط و منفی شخصیت کودک شود. در این گفتار تلاش ما بر این است که خوانندگان را متقاعد سازیم که نه تنها تنبیهات بدنی بلکه بعضی تنبیهات غیربدنی که نسبت به کودکان روا داشته می شود در تربیت آنان نه تنها سودی ندارد بلکه مضر هم هست برای اثبات این مدعا و مشخص شدن محدوده مجاز تنبیه از نظرات قرآن کریم و حقوق موضوعه ایران می پردازیم.

واژگان کلیدی: کودک، تادیب، تعزیر، تادیب واضع قانون تعزیر کودک، فقه و حقوق



بخش اول: تنبیه و تادیب از نظر لغوی

در لغت نامه دهخدا تأدیّب چنین معنی شده است: (دهخدا، ۱۳۳۵: ص ۲۹۵)

تأدیّب به معنی ادب آموختن به کسی، ادب کردن، ادب دادن، آموختن طریقه نیک و یا تربیت نمودن است.

در فرهنگ معین تأدیّب به معانی متفاوتی آمده است (معین، ۱۳۵۰: ص ۱۰۱۵)

به معنی ادب، آموختن، فرهیختن بازخواست کردن کسی را برای کاربرد، گوشمال دادن.

بند اول: مفهوم اصطلاحی تادیب

تأدیّب در کتاب «مَحْجَةُ الْبَيضاء» تألیف فیض کاشانی در معنی چنین آمده است (کاشانی، ۱۳۸۳ق: ص ۳۰)

«و اما التّأدیبُ فأنما نَعْنی بِهِ أَنْ یَرْجُرَ غَیْرَهُ وَ هُوَ حَالُ الْمُعَلِّمِ مَعَ الْمُتَعَلِّمِ»

تأدیّب به معنی بازداشتن یا ترساندن دیگری است همانند برخورد معلم با متعلم. پس تأدیّب در اصطلاح فقهاء مجازات سبکی است، که اسلام برای اعمال ناشایسته کسانی که به حدّ تکلیف شرعی نرسیده اند در نظر گرفته است.

بند دوم: مفهوم تعزیر

تعزیر در حقوق کیفری ایران عبارت از مجازاتی است مآدون حد شرعی. به عبارت دیگر تعزیر کیفری است برای جرائمی غیر از آنهایی که در حقوق جزای اسلامی برایشان حد، قصاص و دیه در نظر گرفته شده است. تعزیر در شرع از حیث مقدار مشخص نیست و در فقه به کیفری گفته می‌شود که برخلاف حد، قانون‌گذار اندازه‌ای برای آن تعیین نکرده باشد و تعیین آن به صلاحدید



قاضی می‌باشد (تعزیر باید کمتر از حد باشد). تعزیر در لغت به معنای تعظیم، تأدیب، نصرت و منع می‌باشد. (لغت نامه دهخدا)

ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود.

لازم به توضیح است که استفاده از تنبیه در محیط مدرسه، کار، منزل و هر محیط دیگری همیشه مخالفین زیادی داشته است اما ما در این قسمت بیشتر به جنبه روانی تنبیه می‌پردازیم تا جنبه‌های اخلاقی، فقهی و حقوقی آن را بدانیم.

تنبیه از نظر افراد مختلف معانی مختلفی دارد، گروهی تنبیه بدنی را در ردیف تنبیه قرار میدهند و گروهی تنبیه روانی چون مسخره کردن و سرزنش را تنبیه میدانند پارامترهای تنبیه نیز مختلف هستند بنابراین نمیتوان تعریف کاملی از تنبیه در دست داشت و این بیشتر به روحیات فرد تنبیه شده بر میگردد. فرض کنید کودکی که تاکنون مورد آزار و سرزنش قرار نگرفته با کوچکترین توبیخی آزرده می‌شود و این عمل را تنبیه وحشتناکی داند، بر عکس کودکی که همواره آماج توهین و تحقیر و کتک می‌باشد و به آن عادت کرده است حتی ممکن است بر اثر همان تنبیه نه تنها تضعیف نگردد بلکه تقویت شود. حال ممکن است این سؤال مطرح شود که «اگر تنبیه نتیجه بر عکس دهد باز هم از آن به نام تنبیه یاد میشود یا خیر؟».

علاوه بر این، تنبیه نه تنها باعث نابودی رفتار مورد نظر نمی‌گردد بلکه ممکن است نتایج نامطلوبی هم بار آورد شخص تنبیه شده نه تنها به فراموش کردن رفتار تنبیه شده نمی‌پردازد بلکه از طریق شرطی سازی کلاسیک پیامدهای نامطلوب حاصل از تنبیه را با شخص تنبیه



کننده محیطی که در آن تنبیه شده و کسانی که با تنبیه او رابطه داشته اند، تداعی می سازد و مورد نفرت قرار میدهد.

بخش دوم: انواع تنبیه

بند اول: تنبیه بدنی

بسیاری از والدین تنبیهات بدنی را برای تربیت کودکان مفید و لازم میدانند، حتی زمانی در مدارس یکی از لوازم صفی چوب و فلک و زنجیر و شلاق بود اما دانشمندان و روانشناسان کودک این برنامه را زیان بخش می دانند و آنرا قدغن می کنند. در کشورهای متمدن و پیشرفته جهان تنبیه بدنی تقریباً ممنوع است و در این رابطه قوانینی را به تصویب و اجراء گذاشته اند دانشمندان می گویند:

تنبیه بدنی بچه را اصلاح نمی کند اگر چه ممکن است به حسب ظاهر تأثیر مختصری داشته باشد یکی از دانشمندان می نویسد: از کودکان کتک خورده انسانهایی بی اراده شل و بیکاره بوجود می آید، یا آدمهای قلدری که در تمام زندگی به علت کودکی سراسر افسردگیشان، انتقامجو باقی می مانند. (یارگیرروش، ۱۳۷۸: ص ۵)

به هر حال تنبیهات بدنی خطرناکترین وسایل تربیت هستند و حتی الامکان باید از آنها اجتناب کرد. اما اگر طرق دیگر مؤثر نیفتاد و چاره ای نبود، میتوان در حد ضرورت از آن استفاده کرد. نوع تنبیه و مقدار لازم باید سنجیده و حساب شده باشد به طور مثال آورده اند که مردی از پیغمبر اسلام (ص) سؤال کرد که خانواده ام را که نافرمانی می کنند چگونه تنبیه کنم؟ پیامبر (ص) فرمودند: آنها را ببخش در مرتبه دوم و سوم سؤال کرد و پیامبر همان جواب را دادند و سپس فرمودند: اگر خواستی آنها را تنبیه کنی مواظب باش عقاب تو از جرم آنها بیشتر نباشد و از زدن به صورت خودداری کن در مورد تنبیه اگر چاره ای جز آن نبود باید یک نکته را به خاطر سپرد و



آن اینکه حتی الامکان در حضور دیگران تنبیه انجام نشود چرا که آثار بسیارسویی در روح و روان کودک برجا خواهد گذاشت که تا آخر باقی خواهد ماند.

بند دوم: تنبیه غیربدنی

بسیاری از پدران و مادران برای تنبیه فرزندان خود از اینگونه تنبیهات استفاده می کنند مانند حبس کردن، فحش، تندی عصبانیت وغیره. البته نباید تردید داشت که اینگونه تنبیهات وحشیانه ضررشان کمتر از تنبیهات بدنی و کتک زدن نیست و شاید حتی زیان بخش تر هم باشد این قبیل تنبیهات شخصیت کودک را خدشه دار کند و اسباب ترس و اضطراب او را فراهم می کند. چه بسیار اتفاق افتاده کودک محبوس چنان ترسیده که به ضعف اعصاب و دلهره دچار شده است و تا آخر عمر نتوانسته است از عوارض آن نجات پیدا کند. بنابراین پدران و مادران باید جداً از این قبیل تنبیهات خودداری کنند فحش و بدزبانی هم علاوه بر هتک حرمت برای کودک بدآموزی دارد و او را به این عمل زشت عادت می دهد. البته بعضی از تنبیهات غیر بدنی این ضررها را ندارد مانند قهر کردن، محروم کردن کودک از تفریح و گردش نبردن کودک به مجالس مهمانی و مسافرت محروم کردن او از یک وعده غذا یا میوه ندادن یا کم دادن پول توجیبی منع از بازی تکلیف به مشق یا تمرین و یا انجام بعضی از کارهای منزل و دهها نوع از این قبیل تنبیهات ساده و بی خطر اکثر پدران و مادران از این قبیل تنبیهات برای کودکان استفاده میکنند این تنبیهات اگر درست و به طور عاقلانه مورد استفاده قرار گیرد برای تعلیم و تربیت کودکان تا حدودی مفید واقع می شود و ضرر چندانی ندارد.

حال میپردازیم به مهمترین نوع تنبیه غیر بدنی که همان مفهوم اصلی تنبیه یعنی آگاه کردن و بیدار کردن است و از آن به عنوان روش صحیح درمان روحیه یا لبخند درمانی نام می بریم یعنی نشان دادن واکنش برتر یا رفتار خوب در برابر کنشهای ناخوشایند که البته این خود یک نوع پیشگیری به حساب می آید هرگاه لجبازی بچه ها را با قهر و تنبیه پاسخ دهیم کار مهمی نکرده



ایم، اگر جیغ زدن‌ها و ناسزا گفتن‌های کودکی را با کلمات تند و آزار دهنده تلافی کنیم هنری به خرج نداده ایم متأسفانه این اعمال و جبهه گیری‌های شدید در برابر پرخاشگری‌های کودک و نوجوان از اعمال متعارف و متداول در بسیاری از خانه ها و مدرسه ها است. (یارگیررروش، ص ۷)

اگر بر روی خانواده های موفق که کودکان سالم دارند تحقیق شود دیده خواهد شد که این خانواده ها هرگز از حربه توبیخ و تنبیه و تهدید استفاده نکرده اند بلکه از اصولی ترین راهها یعنی منطق و خوشرویی و عفو و گذشت استفاده کرده اند یک برخورد صحیح و خوب یک عمر در خاطر کودک می ماند و سرمشق او میشود. پدر غروب به منزل می رسد و در جریان شیطنتها و به اصطلاح خرابکاریهای کودک قرار میگیرد مادر همچنان از رفتارهای ناهنجار کودک شکایت می کند اما پدر این رفتارها را ناشی از محدودیتهای روانی و عاطفی کودک میداند و این اعمال را ناشی از تکرار کلماتی مانند نکن نبوش نزن و نروهای مادر میداند و با احوال پرسی از مادر، پسر کوچک را به گردش و خرید شکلات مورد علاقه اش دعوت می کند کودک که هر لحظه منتظر سرزنش پدر از رفتار روز خود است احساس شرمندگی میکند و جستجو میکند که عذری بیاورد، اما هیچ اشاره ای به آنچه امروز در خانه گذشته است کند، بعد از یک ساعت به خانه بر میگردند پسرک آرامتر سرزنده تر و مهربانتر از همیشه به نظر می رسد رفتار خوب پدر بهترین تأثیر را بر او میگذارد او سعی میکند به پاس محبت پدر رفتاری داشته باشد که مورد رضایت مادر است.

در واقع مهر و محبت سرمایه ای است که کودکان و نوجوانان تدریجاً به خوب بودن و نشان دادن رفتارهای مطلوب عادت کنند. وقتی آنها می آموزند که همواره رفتارهای مطلوبشان مورد تأیید تشویق بزرگسالان قرار میگیرد از احساس خشنودی، رضایت درونی و بالطبع بهداشت روانی برخوردار می شوند.



بخش سوم: موارد مجاز تنبیه و تنبیهات مجاز

در هر حال مواردی وجود دارد که باید کودک را تنبیه کرد. مثلاً کودکی در سن نوآموزی یا دانش آموزی بداند که پدر و مادرش استراحت میکنند و باز هم به سر و صدا ادامه دهد و اعتنایی به اطلاع قبلی یا خواهش آنها نکند باید تنبیه شود. تنبیه در این موارد به این جهت ضروری است که در کودک تجربه اخلاقی خاصی عادت به خواست اطرافیان توانایی کنترل و احساس وظیفه و مسئولیت در برابر رفتار خویش تشکیل یافته است. مجازات به کار برده شده در اوج عصبانیت بدون در نظر گرفتن تمام اوضاع و جوانبی که جرم در آن صورت گرفته است ممکن است به نقض روابط بین والدین و کودکان منجر شود و حتی میتواند باعث عدم اعتماد متقابل و حتی کینه و دشمنی گردد. برخی پدر و مادرها منتظرند که بدانند در مقابل کدام خطا کدام تنبیهی را باید معمول داشت. مثلاً اگر کودک درسش را حاضر نکرد باید از تفریح محرومش ساخت اگر عملی که منع شده بود، انجام داد از خوردن آجیل محرومش کرد؟ و اگر در کوچه با کودکان دعوا کرد، مدتی اجازه گردش به وی نداد؟ رفتاری که اینگونه پدران و مادران دارند بسیار نادرست است اینگونه نسخه های آماده کاملاً خصوصیات فردی دارند و بستگی به اوضاع و احوالی که کودک در آن به سر می برد دارد.

به طور کلی باید در تنبیهاتی که انجام می شود اصول زیر را رعایت کرد:

- ۱- از فرار ارگانسیم از موقعیت به شدت خودداری کرد.
- ۲- بلافاصله از انجام رفتار و به طور مرتب تنبیه صورت گیرد.
- ۳- تنبیه باید با حداکثر شدت قابل تحمل تنبیه شونده صورت گیرد. نشان داده است که تنبیه ملایم به طور تدریجی اثر خود را از دست میدهد و گاهی به مسکن تبدیل می شود.



۴- تنبیه باید در شرایط خاموشی و بدون محرکات تقویت کننده انجام پذیرد زیرا اثر آن کوتاه مدت خواهد بود.

۵- تنبیه باید توجیه گر عمل مورد تنبیه باشد تا ارزش خود را نشان دهد.

۶- تنبیه در مؤسسات آموزشی باید با اجازه والدین باشد. در اجرای تنبیهات باید وضع جسمانی و روانی تنبیه شونده را در تنبیه باید سنجیده و حساب شده باشد و از مقدار ضرورت تجاوز نکند و از جرم شدیدتر نباشد.

۷- تنبیه نباید به صورتی باشد که کودک پدر و مادر را دشمن خود بداند و یا خیال کند مورد بی مهری قرار گرفته است.

۸- کودکی را که توانایی کاری را نداشته مورد عتاب و تنبیه نباید قرار دارد.

۹- تنبیهات باید گهگاه و به طور استثنایی انجام گیرد تا نتیجه بخش باشد. زیرا اگر عادی و مرتب باشد تدریجاً بچه به آن عادت کرده و با آن مأنوس میشود و لذا دیگر اثری ندارد.

۱۰- تنبیه باید در مورد همان جزء خاص انجام گیرد نه به طور کلی، زیرا کودک باید بتواند علت تنبیه را درک کند و برای موارد دیگر از آن عبرت بگیرد.

۱۱- از تنبیه کودک خطای او را به فراموشی سپرده و درباره آن بحث نکنید و آنرا تعقیب نکنید.

۱۲- اگر میخواهید کودک را سرزنش کنید او را با کودکان دیگر مقایسه نکنید و دیگری را به رخ او نکشید زیرا به این وسیله خصلت حسادت را در او پرورش میدهید.



بخش چهارم: علل تنبیه

بسیاری را عقیده بر این است که تنبیه عنصری جدا نشدنی از انضباط است در حقیقت اینان معتقدند که دوام و بقای نظم جامعه از کوچکترین واحد اجتماعی یعنی خانواده تا مدرسه و اجتماعات بزرگتر را تنبیه تضمین می کند در صورتی که چنین برداشتی از انضباط بسیار یکطرفه می باشد و طرفداران این نظریه طرفدار دیکتاتوری و استبداد هستند. انسان برای ادامه حیات اجتماعی خود لازم است که اجتماعی شود و برای اجتماعی شدن باید از نظم پیروی کند، اما پایه و استحکام نظم در هر قانون اجتماعی را نه تنبیه، بلکه درونی ساختن قوانین و مقررات توجیه می کند عوامل متعددی می تواند زمینه بی انضباطی در جامعه را فراهم سازد که با توجه به همه عوامل توان نتیجه گیری کرد که هر نوع بی انضباطی را نمی توان با چوب تنبیه راند چرا که در هر مورد باید راه صحیح را انتخاب کرد. تنبیه (به خصوص تنبیه بدنی هیچگاه نتایج دلخواه را به دست نمی دهد که تنبیه، گاه یادگیری و تغییر رفتار میگردد لیکن سبب یادگیری از این طریق کوتاه مدت بوده و سطحی است و حتی در اکثر موارد با حذف عامل تنبیه فراگیرنده را به بی انضباطی شدیدتری می کشاند در حالیکه همانگونه که ذکر شد یادگیریهایی که توسط تشویق صورت میگیرد عمیق تر است چون با خاطرات مطبوع و پاداش همراه است.

گاهی علت تنبیه این است که خواست بزرگترها از کودک دبستانی با همان خواستهایی که کودک نسبت به خود و اطرافیانش ارائه می دهد منطبق نیست مثلاً بزرگترها درشت صحبت کردن با معلم یا مربی را بد و شرم آور میدانند ولی هر دانش آموزی ممکن است چنین رفتاری را یک نوع قهرمانی بداند بزرگترها لگد کردن چمن و شکستن شاخه درختها و دعوا و معرکه گرفتن را اوباشی و عربده داند ولی نوجوان بد تربیت شده ممکن است این حرکات را دلاروی تصور کند و به خود ببالد اگر چنین نوجوانی تسلیم درخواست بزرگترها شود و بگونه ای دیگر رفتار کند تصور میکند که ضعف نفس نشان داده است. مثلاً معلم جوانی از روی بی تجربگی از نوجوانی میخواهد که رفیقش را که عمل خلافی انجام داده معرفی کند اما نوجوان شدیداً معتقد است که



اینکار غیبت و بدگویی است. در این گونه موارد ما نباید با تهدید و تنبیه نوجوان را وادار کنیم که بنا به میل و خواست ما و بر خلاف عقیده خود، کاری را انجام دهد.

بخش پنجم: عوارض تنبیه

بدیهی است که در کنار نیازهای زیستی یا بیولوژیک، مسئله امنیت روانی و ثبات عاطفی کودکان و دانش آموزان بیشترین اهمیت را دارد. رشد متعادل، شخصیت شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های کودکان در سایه سلامت جسم و روان و ثبات عاطفی آنان امکانپذیر است. بی ثباتی عاطفی، دوگانگی احساس و تعارضات روانی از موانع بسیار مهم در فرآیند رشد شخصیت و سازگاری‌های فردی و اجتماعی است. کودکان سنین دبستان همواره نیازمند تأیید رفتارشان توسط بزرگسالان هستند. زمانی که این نیاز طبیعی به نحو مطلوب تأمین نشود کودکان دچار تعارض و عدم امنیت روانی میگردند که با این شرایط دقت توجه به مطالب و مشارکت در فعالیتهای آموزشی بسیار اندک خواهد بود و اکتسابهای آموزشی چندان پایدار نخواهد ماند. عدم تأمین نیاز طبیعی کودک به امنیت خاطر نه تنها بر چگونگی وی اثر خواهد گذاشت عموماً موجب بروز و ظهور بسیاری از رفتارهای نامطلوب و ناخوشایند همانند خیال پردازی گوشه گیری، انزواطلبی افسردگی بی قراری، عصبانیت، پرخاشگری و رفتارهایی از این قبیل می‌شود. همچنین بیشترین تأثیر را بر شکوفایی توانمندی ذهنی، بالقوه تفکر خلاق و پیشرفت تحصیلی او به جا می گذارد. (همان، ص ۹)

اگر اثرات و عوارض منفی تنبیه کودک را در نظر آوریم، تنبیه امری مخرب جلوه می کند. کودک این انسان کوچک وقتی به جهان پا میگذارد با دنیایی از ناشناخته ها روبروست. کودک می خواهد بسازد. خراب کند، دست بزند تجربه کند و حتی گاه به خود و دیگران آسیب برساند. چون برای او همه چیز تازه است. اگر کودک در اصطلاح عامیانه " شرور و شیطان " است. این از میل او سرچشمه نمی گیرد بلکه از اهمیت نیاز او سرچشمه میگیرد در این مورد بخصوص نباید جلوی



فعالیت کودک را گرفت بلکه باید مجازها را جانشین غیر مجازها کرد تا جلوی رفتارهای غیر طبیعی کودک گرفته نشود. اما تنبیه مشکلی را حل نمی کند.

بخش ششم: شیوه‌های تأدیب کودک از نظر فقه

بحث از شیوه‌های فقهی تأدیب کودک بزهکار و یا هنجارشکن در مسائل اخلاقی و عرفی، می‌تواند مبنای مشروعیت استفاده متولیان اجرای آنها را به هنگام انتخاب برخی روش‌های تغییر رفتار نامطلوب، روشن نماید. اکنون با توجه به این مطلب، به بیان اهم دیدگاه‌های فقیهان و ادله ایشان در این باره می‌پردازیم:

الف) انحصار اجرای تعزیر و تأدیب به ضرب

ظاهر عبارت برخی از فقهای شیعه (حلی، ۱۴۰۸: ۴/ ۱۵۵؛ نجفی، ۱۳۰۸: ۴۱/ ۴۸۸) و یا روایاتی که در مورد تعزیر و حتی تأدیب کودک در امور اخلاقی و عرفی وجود دارد (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/ ۷۳)، حاکی از این مطلب است که تعزیر و تأدیب، منحصر به ضرب است. مستند این انحصار ادله گوناگونی است که در اینجا، تعدادی از آنها را ذکر می‌کنیم.

ب) تعمیم تعزیر و تأدیب بر سایر مصادیق مجازات و تنبیه

در مقابل نظریه انحصار تعزیر و تأدیب به ضرب با شلاق، فقیهانی معتقد به تعمیم تعزیر و حتی تأدیب به سایر مصادیق تنبیه و مجازات برای افراد بالغ و غیربالغ هستند. مانند علامه جعفری & که در مورد گوناگونی حق تأدیب، انواع آن و انتخابش مطابق با روحیه کودک می‌گوید:

از ملاحظه مجموع مدارک در ابواب گوناگون فقه و حقوق اسلامی تأدیب‌های مختلفی مشاهده می‌شود که می‌توان تعیین آنها را مربوط به نظر حاکم دانست، یعنی حاکم بایستی وضع روانی و جسمانی و مقدار تاثیر تأدیب را در کودک تشخیص داده و مطابق آن عمل نماید. مثلاً کودکانی



هستند که تهدید به حال آنان موثر نبوده و بایستی تلخی ضرب یا محرومیت از بعضی از خواسته نفسانی خود را بچشند. به همین جهت است که منابع اسلامی یک نوع خاص برای مقدار و کیفیت تادیب و تنبیه در همه موارد مقرر ننموده است (جعفری تبریزی، ۱۴۱۹: ۲۸۷)

همچنین گفته شده:

حق تربیت طفل، متضمن اختیار تنبیه او نیز هست؛ زیرا تنها به وسیله منطق و عقل نمی‌توان در طفل حس احترام و اطاعت ایجاد نمود، بلکه باید در مواردی، از بیم تنبیه و در بعضی از مواقع، از خود تنبیه کمک خواست. البته تنبیه طفل برای آگاه کردن او به زشتی کاری است که او مرتکب شده و برای ایجاد پشیمانی در اوست، لذا در تنبیه باید دقت شود که مطابق با روحیه طفل باشد، از قبیل نصیحت، سرزنش، بازداشت، کتک و امثال اینها تا طفل را به وسیله آن از تکرار آن عمل بازدارد (طاهری، ۱۴۱۸: ۳/۳۷۷)

بخش هفتم: هدف از تأدیب کودک

مطالعه دقیق در منابع اسلامی به خوبی این نتیجه به دست می‌آید که غرض تأدیب همان تهذیب اخلاق فرد بزهکار و مجرم است و به دنبال آن به وجود آوردن جامعه سالم و به طور کلی حفظ و جلوگیری انسانها از شرور و مفسدات اجتماعی و سقوط در پرتگاه‌های رذائل اخلاقی است. (فرقانی، ۱۳۷۹: ص ۶۱)

مصالح اسلام یا به عبارتی تأمین اجتماعی مطمئن و سالم در جهت ابعاد مادی و معنوی را میتوان همان مصالح انسانها دانست که مصالح خمسده نامیده میشود و آن پنج مصلحت عبارتند از: حفظ دین، نفس، ناموس عقل و مال که ضروریات خمسده نیز نامیده می‌شود.

به تعبیر بعضی از بزرگان هدف کیفر در مصالح خمسده خلاصه غزالی در این زمینه چنین میگوید: (غزالی، ۱۳۸۳ق: ص ۲۸۸)



هر قانونی از قوانین و هر دینی از ادیان که بخواهد جامعه را به سوی صلاح و رستگاری رهبری کند محال است که تجاوز و ستم به این امور پنبجگانه را جرم و حرام نشناسد و برای آن کیفری قانون گذاری نکند پس چنین میتوان نتیجه گرفت که ملاک جرم در نظر اسلام تعدی و تجاوز نسبت به این اصول پنبجگانه است که از نیازهای ضروری و اولیه انسان به شمار میروند و این عقیده ایست که همه مسلمین بر آن اتفاق نظر دارند بلکه از بدیهیات عقلی نیز به حساب می آید و هر خردمند بی غرضی به آسانی میتواند به آن حکم کند، و عقلاء هرگز درباره آن دچار تشتت و اختلاف نمی شوند .

بررسی روایات در میزان تأدیب و تعزیر کودک کتاب وسائل الشیعه تألیف شیخ حر عاملی که از کتب حدیثی ارزشمند به شمار میآید و مورد استناد همه فقهای عظام است روایاتی را در مورد مقدار تعزیر کودک آورده است که ذیلاً به آنها اشاره میکنیم و به بررسی این روایات مینشینیم

بند اول: روایت اول

«عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) عَنِ التَّعْزِيرِ كَمْ هُوَ؟ قَالَ: بَضْعَةُ عَشْرٍ سَوْطًا فَاتَيْنِ الْعَشْرَةَ إِلَى الْعَشْرِينَ» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ص ۵۸۳)

اسحاق بن عمار می گوید: از موسی بن جعفر (علیه السلام) سؤال کردم مقدار تعزیر

چقدر است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «ده تازیانه و اندی بین ده تا بیست تازیانه»

آیا مراد حضرت این است که در تمام موارد تعزیر کودک این مقدار است؟ در پاسخ باید گفت این روایت را باید حمل نمود به این که امام (علیه السلام) در مقام تمثیل و مصداق بر مورد مشخصی چنین پاسخی را به اسحاق بن عمار دادند نه اینکه مراد روایت این باشد که تعداد ضربات تعزیر محدود و منحصر به این مقدار باشد زیرا با توجه به روایات دیگری که در مورد تعزیر آمده است تعداد سوط و تازیانه در بعضی روایات کمتر از روایت مذکور و در بعضی بیشتر از این مقدار ذکر



شده است. مثلاً در حدیثی میزان تازیانه بر کودک را سه ضربه میداند و بیش از سه ضربه را موجب قصاص مؤدب و تأدیب کننده می داند .

بند دوم: روایت دوم

روایتی است که میزان تعزیر را بیش از سه ضربه جایز نمی داند و حتی در صورت تجاوز از سه ضرب تأدیب کننده را مستحق قصاص داند .

«عَنِ الشُّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْقِيَّ صَبَّاحَ الْوَاكِبِ بَيْنَ يَدَيْهِ لِيُخَيَّرَ بَيْنَهُمْ، فَقَالَ: أَمَّا أَنْهَا حُكُومُهُ وَالْجَوْرُ فِيهَا كَالْجَوْرِ فِي الْحُكْمِ ابْلُغُوا مَعْلَمَكُمْ إِنْ ضَرَبْتُمْ فَوْقَ ثَلَاثِ ضَرْبَاتٍ فِي الْأَدَبِ، أَقْتَصْ مِنْهُ» (حرعاملی، ص ۵۸۲)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: کودکان مدرسه خطهای خود را در مقابل علی (ع) قرار دادند تا بهترین آنها را انتخاب نماید آن حضرت فرمود این کار نوعی حکومت است و ستم روا داشتن در آن ظلم و ستم در امر حکومت و قضاوت است. به معلم خودتان بگویید اگر بیش از سه تازیانه به منظور تأدیب به شما بزنند از او قصاص میکنم . این روایت هم مانند روایت قبل ناظر به مصادیق تأدیب و موارد تعزیر است نه حکم کلی و عام زیرا با توجه به صدر روایت مصداق و مورد آن مشخص شده است.

بخش هشتم: تأدیب و تعزیر کودک از نظر فقه و حقوق

باید خاطرنشان شویم در اصطلاح حقوق جزا، تأدیب عبارت است از واکنش مخصوص کیفری در مقابل اعمال مجرمانه طفل و مجنون به عبارت دیگر مقصود از آن نوعی مجازات خفیف میباشد. همچنین تنبیه به معنی کیفر انضباطی کودک و مجنون است. (اردبیلی، ۱۳۸۲: ص ۱۰۹)



بند اول: جواز تأدیب کودک

به طور کلی تأدیب کودک ممیز در موارد زیر مورد توافق فقها اعم از شیعه و اهل سنت است :

- ۱- به جهت ارتکاب جرایمی که اگر فرد بالغ عاقل مرتکب شود، موجب حد یا تعزیر می باشد، این قسم از تأدیب که از آن به عنوان تعزیر یاد میشود وظیفه حاکم شرع و دادگاه صالح میباشد .
- ۲- برای تربیت کودک و نیز به جهت ارتکاب خطا و امور خلاف اخلاق .

به جهت انجام مراسم دینی تأدیب در دو قسم اخیر وظیفه پدر و مادر کودک و گاه معلم میباشد .

بند دوم: ادله جواز تنبیه کودک

قبل از بیان ادله جواز تأدیب کودک ذکر دو نکته لازم و ضروری می نماید.

الف: اصل این است که تأدیب کودک جایز نیست چون خداوند متعال انسان را آزاد آفریده و کسی بر دیگری تسلطی ندارد مگر آن که خداوند اجازه دهد. به علاوه تنبیه و زدن دیگری اذیت و ظلم به اوست و این اعمال در شرع مقدس اسلام نهی شده است به طوری که برخی از روایات آن را جنگ با خدا و کفر میدانند، روای میگوید از امام صادق در مورد کلام خداوند متعال «وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يَظْلِمُ نَذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ» (حج، آیه ۲۲-۲۵)

کسی که اراده کند در زمین دست به ظلم و ستم بیالاید ما از عذاب دردناک به او می چشانیم - سؤال کردم فرمود هر ظلمی الحاد است و زدن خادمی که گناه نکرده از این نوع الحاد است. قال «كُلُّ ظَلَمٍ الْحَادَ وَضَرَبُ الْخَادِمِ فِي غَيْرِ ذَنْبٍ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا الْحَادَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۲۷)

بنابراین اگر نتوانیم از ادله فقهی جواز تأدیب کودک را استفاده کنیم اصل عدم جواز به حال خود باقی است. همچنین در مواردی که شک در جواز داریم باید به اصل عدم جواز تمسک نمود.



ب: از ادله جواز کیفر مجرم در باب مجرم در باب تعزیرات استفاده می شود که مجازات باید متناسب با میزان عقل و شعور مرتکب جرم باشد.

این ویژگی را میتوان به عنوان یک اصل از ادله مجازاتهای تعزیری استفاده کرد. به عبارت دیگر مذاق شرع در باب تعزیرات مقتضی این معنا است بنابراین به حکم این اصل باید تأدیب و تنبیه کودک متناسب با عقل شعور و درک وی و نیز قوه جـ او باشد و فراتر از آن جایز نیست اما ادله تأدیب کودک به شرح زیر است.

به استناد برخی از روایات مانند حدیث رفع قلم که مفاد آن مورد قبول فقها است، و بر طبق آن فتوا داده اند کودک و مجنون مسئولیت کیفری ندارند و به طور قطع همانند اشخاص بالغ و عاقل تعقیب و مجازات نمی شوند از سوی دیگر به استناد روایاتی که در حد استفاضه بلکه متواتر می باشد تأدیب کودک و مجنون در صورت ارتکاب جرم با شرایط خاص تجویز شده است. (شیخ صدوق، ۱۳۶۳: ص ۱۷۵)

جمع بین این دو دسته از روایات ایجاب می کند که تأدیب کودک ممیز در مواردی که مرتکب خلاف شود با وجود شرایطی که در فقه مقرر شده جایز باشد. افزون بر این به حکم عقل نیز برای اصلاح و تربیت کودک و نیز برای حفظ نظم و رعایت اصول اخلاقی در جامعه، همچنین به جهت این که کودک به ارتکاب جرایم عادت نکند، تأدیب وی جایز است. بدیهی است اگر کودکان به ویژه آنان که تا رسیدن به سن بلوغ فاصله چندانی ندارند در ارتکاب جرایم آزاد باشند و تأدیب نشوند مشکلاتی برای خود و دیگران در جامعه ایجاد خواهند نمود کوتاه سخن آن که تأدیب کودکان در جهت مصلحت و اصلاح آنان است و این تأدیب خود از مصادیق کمک به بر و تقوی و عین احسان است « مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ » (توبه، آیه ۹۱) از آن جا که حکمت جواز تأدیب کودکان رعایت آنان است بنابراین باید به آن مقدار که مقصود حاصل شود اکتفا نمود . (قمی، ۱۳۷۱: ص ۳۱)



بخش نهم: نمونه هایی از تأدیب کودکان در روایات

در روایات بسیاری تأدیب کودکان به جهت ارتکاب برخی از جرایم تجویز شده است و فقها بر طبق آن فتوا داده‌اند در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود

الف- ارتکاب زنا

مرحوم شیخ طوسی نگاشته است: «اگر کودکی که به حد بلوغ نرسیده با زنی زنا نماید، زن به کیفر رجم محکوم نمیشود بلکه مستحق حد دیگر زنا صد ضربه شلاق می‌باشد می‌باشد و لازم است کودک نیز تأدیب گردد (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ص ۶۹۵) همین نکته در عبارات دیگر فقها نیز دیده می‌شود. (ابن براج، ۱۴۰۶ق: ص ۵۲۱) مستند این فتوا روایات است از جمله در روایت صحیح ابو بصیر از امام صادق ان نقل می‌کند که فرموده است اگر کودکی به سن ده سالگی یا بیشتر رسیده با زنی زنا نماید بر زن اجرای حد می‌گردد و کودک نیز به کمتر از حد تأدیب می‌گردد. قال: «يُجْلَدُ الْغُلَامُ دُونَ الْحَدِّ وَتُجْلَدُ الْمَرْأَةُ الْحَدَّ كَامِلًا» و روایات دیگر . (کلینی، ۱۴۰۷ق: ص ۸۲)

ب ارتکاب لواط

اگر مردی با کودکی لواط کند بر مرد حد لواط اجرا می‌شود و کودک نیز در صورتی که در مقابل مرد تمکین نماید و ارتکاب این عمل شنیع به علف نباشد تأدیب می‌گردد. هم چنین اگر دو کودک با یکدیگر لواط کنند هر دو تأدیب می‌گردند این مسأله مورد توافق فقها است. راوی از امام صادق (ع) نقل نموده است که مرد و زنی را به نزد امیر المؤمنین الله آوردند زن مدعی بود شوهرش با فرزندش که از شوهر قبلی وی بوده لواط کرده است. بعد از تحقیق و شهادت شهود بر علیه مرد به حکم امیر المؤمنین (ع) بر مرد اجرای حد شد و او را با شمشیر کشتند آن حضرت دستور فرمود کودک را نیز به کمتر از حد تأدیب نمایند و فرمود اگر بالغ بودی حکم به قتل تو



میدادم و هم اکنون تأدیب می‌نمایم، چرا که در مقابل این مرد تمکین نمودی تا با تو این عمل شنیع را انجام دهد. «وَصَرَبَ الْغُلَامَ دُونَ الْحَدِّ وَقَالَ: أَمَّا لَوْ كُنْتُ مُدْرِكًا لِقَتْلِكَ لِمَكَانِكَ إِيَّاهُ مِنْ نَفْسِكَ بِتَقْبِيكَ» (کلینی، ص ۱۵۶) روایات دیگری نیز با این مضمون وارد شده است بر همین اساس در قانون مجازات اسلامی تعزیر کودک در ارتکاب لواط تجویز شده است. در ماده ۱۱۲ قانون مزبور آمده است هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغی لواط کند فاعل کشته میشود و مفعول اگر مکره نباشد تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر میشود در ماده ۱۱۳ نیز آمده است: «هر نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر میشوند مگر آن که یکی از آنها مکره باشند

ج- انجام قذف

به اجماع فقها در اجرای حد قذف بر قاذف بلوغ و عقل شرط است. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ص ۴۱۳) بنابراین اگر کودک فرد بالغی را قذف نماید یا دو کودک یکدیگر را قذف نمایند، مشمول اجرای حد قذف قرار نمی‌گیرند بلکه تأدیب می‌شوند. این حکم نیز مورد توافق فقها است و دلیل آن دیدگاهی است که برگرفته از روایات است مبنی بر این که کودک و مجنون مشمول اجرای حد قرار نمی‌گیرند بلکه به آنچه حاکم مصلحت بداند تعزیر می‌گردند، تا بعد از آن مسلمانان را دشنام ندهند و به آنان آزار نرسانند و موجب فساد در جامعه نشوند.

از امیر المؤمنین (ع) روایتی نقل شده که خلاصه اش چنین است مردی از دیگری به نزد آن حضرت شکایت برد که او به مادر من دشنام داده حضرت بعد از تحقیق، به کسی که دشنام داده بود فرمود من تو را میزنم تا بعد از این مسلمانان را دشنام ندهی و آنها را آزار نرسانی و سپس مرد دشنام دهنده را کتک زد تعلیلی که در این روایت ذکر شده یعنی جلوگیری از دشنام و آزار مسلمانان شامل کودک نیز میباشد. بنابراین در صورتی که او به دیگران دشنام دهد باید تأدیب گردد.



افزون بر اینها در بعضی از روایات به طور خاص تأدیب کودک در فرض مزبور تجویز شده است از جمله امام صادق را می فرماید غیر بالغ اگر دیگری را قذف نماید تأدیب می شود. «وَعَلَى غَيْرِ الْبَالِغِ حَدُّ الْأَدْبِ» (کلینی، ص ۱۸۶) در قانون مجازات اسلامی نیز تعزیر کودک در ارتکاب قذف تجویز شده است ماده ۱۴۷ این قانون مقرر می دارد: «هرگاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند به نظر حاکم تأدیب میشود.

د- ارتکاب سرقت

بین فقها اختلافی نیست در این که در اجرای حد سرقت بر سارق بلوغ و عقل در وی شرط است، بنابراین اگر کودک مرتکب سرقت شود مشمول حد سرقت قرار نمیگیرد بلکه تأدیب میگردد. البته در کیفیت و نوع تأدیب او نظریات مختلفی ابراز شده است .

بزهکاری کودکان و تأدیب آنها آنچه در میان آنان مشهور است و بسیاری از آنها از گذشتگان تا معاصرین آن را پذیرفته اند این است که به هر اندازه حاکم شرع مصلحت بداند تأدیب می شود هر چند به تکرار مرتکب سرقت گردد. (شیخ مفید، ۴۱۳ق: ص ۸۰۳) منشأ اختلاف دیدگاه فقها روایاتی است که با مضامین مختلف در مورد سرقت کودک صادر شده است، از این رو بعضی معتقدند به دلیل عدم امکان جمع بین آنها باید حمل شود بر این که حاکم شرع به هر صورت مصلحت بداند کودک را تأدیب نماید تا بار دیگر مرتکب نشود. محقق حلی در این باره مینویسد: به عقیده من کودک در ارتکاب سرقت به اندازه ای که حاکم شرع مصلحت بداند تعزیر (تأدیب) میگردد؛ زیرا به اخباری که در شیوه اجرای حد سرقت بر وی وارد شده است به دلیل وجود اختلاف فراوان و جدی در مضمون نمی توان اطمینان نمود، بنابراین آنچه برخی از فقها مانند شیخ طوسی مبنی بر اجرای حدیر کودک در صورت تکرار سرقت فرموده است پذیرفته نیست چرا که از اخبار صادره چنین حکمی با اطمینان استفاده نمیشود و اجرای حد با وجود احتمال خلاف ساقط میگردد.



همچنین آیت الله فاضل لنکرانی فرموده است به دلیل اختلاف مضامین در روایات نمیتوان به آنها عمل نمود البته بعضی از فقها به گونه ای دیگر بین روایات نموده و نتیجه گیری کرده اند که تفصیل و تحقیق در این باره مجال بیشتری می طلبد. (حائری، ۱۳۳۱ق: ص ۸۷)

طبق ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی نیز سرقت در صورتی موجب حد می شود که سارق به حد بلوغ رسیده باشد .

۵- شرب خمر

در اجرای حد شرب خمر نیز مانند دیگر حدود بلوغ عقل، اختیار و علم به حکم شرط است، بنابراین اگر کودک شرب خمر، نماید مشمول اجرای حد قرار نمی گیرد لیکن باید تأدیب گردد بعضی در این باره ادعای عدم خلاف نموده اند دلیل این حکم روایاتی است که به طور عام بر جواز تعزیر و تأدیب دلالت دارد از جمله در روایت صحیح امام صادق الله فرموده است در کتابی که از امیر المؤمنین الا به ما رسیده آمده است که آن حضرت در اجرای حدود گاهی از نصف تازیانه استفاده مینمود حتی اگر کودک دختر یا پسر که مستحق تأدیب میبود به نزد آن حضرت میآوردند اجرای حدود الهی را در مورد آنان تعطیل نمینمود به ایشان عرض شد چگونه آنان را میزد؟ فرمود نصف از تازیانه یا ثلث آن را میگرفت و به تناسب سن کودک او را تأدیب مینمود و حدی از حدود الهی را تعطیل نمی گذاشت قیلَ لَهُ وَكَيْفَ كَانَ يَضْرِبُ؟ قَالَ: كَانَ يَأْخُذُ السَّوْطَ بِيَدِهِ مِنْ وَسْطِهِ أَوْ مِنْ ثَلَاثِهِ ثُمَّ يَضْرِبُ بِهِ عَلَى قَدْرِ اسْتَانِهِمْ وَلَا يُبْطِلُ حَدًّا مِنْ حُدُودِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ البته مقصود از حدود در این روایت تعزیر و تأدیب است .

۶- ارتداد

طبق دیدگاه مشهور فقها اگر کودک منکر اسلام شود یا عملی که ارتداد با آن تحقق می یابد انجام دهد، حکم به کفر وی نمیگردد و نیز مشمول احکام ارتداد نمیشود علامه حلی در این مورد



مینویسد در حکم به ارتداد، بلوغ عقل و قصد شرط است، بنابراین حکم به ارتداد کودک نمی گردد این مضمون در عبارات بسیاری دیگر از فقها نیز به چشم میخورد دلیل آن علاوه بر اصل و اجماع حدیث رفع قلم است چرا که این حدیث شریف دلالت دارد بر این که احکام الزامی تکلیفی از کودک برداشته شده و مشمول احکام کیفری قرار نمی گیرد بنابراین به گفتار و افعال وی ترتیب اثر داده شود البته دیدگاههای دیگری نیز در این مسأله مطرح شده است .

به هر صورت تأدیب کودک به جهت ارتداد مورد توافق فقها است و دلیل آن عموم بعضی از روایات است مانند روایتی که امام صادق از کتاب امیر المؤمنین الان نقل فرموده اند و در بحث تأدیب کودک برای شرب خمر گذشت و روایات دیگر.

نتیجه گیری و جمع بندی بحث

با توجه به مطالبی که آوردیم نتیجه می گیریم:

در فقه امامیه ترک بزهکاری و ناهنجاریهای اخلاقی کودکان در قالب دو فرع فقهی تعزیر و تأدیب بیان شده است. تعزیر عقوبتی است که شارع برای آن اندازه‌ای معین نکرده و تعیین مقدارش را به دست حاکم سپرده است، ولی تأدیب با توجه به موارد کاربرد آن نزد فقها برای دو معنا: تربیت همراه با تنبیه، به عنوان وظیفه والدین در قبال فرزندان و معلم در قبال متعلم و یا تأدیب مترادف با تعزیر.

بین فقیهان حداقل دو نظریه در مورد شیوه‌های تعزیر و تأدیب افراد وجود دارد:

اول: انحصار اجرای تعزیر و تأدیب به ضرب با تازیانه است که به ادله‌ای مانند: مضمون برخی روایات و اتفاق غالب فقهیان، استناد جسته است.



دوم؛ عده‌ای به ادله‌ای مانند: مفهوم لغوی تعزیر و تأدیب، آیه و روایاتی که بیانگر مصادیق مختلف اجرای آن دو هستند، تمسک بسته است.

از نظر این پژوهش دیدگاه اول پذیرفتنی نیست؛ زیرا این دسته روایات تنها به مصداق شایع این دو فرع فقهی اشاره داشته و برخی از فقیهان هم تردید در انحصار به ضرب کرده و معتقد به توسعه برای مصادیق تعزیر شده‌اند.

عمده مباحث شیوه‌های اجرای تعزیر و تأدیب کودک بزهکار و هنجارشکن را در دانش روان‌شناسی می‌توان در بحث تغییر رفتار کودک و برخی از شیوه‌های منفی و مثبت کاهش رفتار نامطلوب - مانند تنبیه، جریمه، جبران، محرومیت و تقویت تفکیکی رفتار ناهمساز - بررسی نمود. از نظر این پژوهش هردو شیوه در بحث تعزیر و تأدیب کودک کارایی دارد و نباید آثار نامطلوب برخی از روش‌های منفی کاهش رفتار، موجب شود تا برخی از مریبان از اصل روش‌های منفی دوری گزینند؛ زیرا این گروه از مخالفان به طرد کامل این روش‌ها نپرداخته‌اند.



منابع و مأخذ

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۲. ابن براج، قاضی (۱۴۰۶ق) المذهب، تهران، ناشر دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن منظور، محمد، **لسان العرب**، بیروت، مؤسسه دار الایاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
۴. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، نشر: آریان، چاپ اول.
۵. ازهری، ابی منصور محمد بن احمد، **تهذیب اللغة**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق
۶. انصاری، قدرت الله (۱۳۹۲)، احکام و حقوق کودک در اسلام، نشر: انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار، چاپ اول.
۷. ت: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران؛ سال ۱۳۳۵.
۸. جعفری، محمدتقی، **رسائل فقهی**، تهران، نشر مؤسسه منشورات کرامت، ۱۴۱۹ق.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح**، بیروت، نشر دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**، قم، مؤسسه آل البيت^ع، ۱۴۰۹ق.
۱۱. حرعاملی، محمد (۱۴۱۴ق) وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۱۸، چاپ بیروت



۱۲. حسینی، داوود، **جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام**، قم، نشر پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱.
۱۳. حلبی، ابوالصلاح، **تقی‌الدین بن نجم‌الدین، الکافی فی الفقه**، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین، خ، ۱۴۰۳ق.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، **تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه**، قم، مؤسسه امام صادق، خ، ۱۴۲۰ق.
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم، **مبانی تکملة المنهاج**، قم، نشر مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۲۲ق.
۱۶. دهخدا؛ علی اکبر (۱۳۳۵)، لغت نامه دهخدا ص ۲۹۵؛ شماره مسلسل ۲۸؛ شماره حرف
۱۷. شاملی، نصرالله، **بررسی حدود و ثغور تنبیه، تعزیر و تأدیب کودک در فقه امامیه**، فصل نامه فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، ۱۳۹۰.
۱۸. شیخ صدوق، محمدبن علی (۱۳۶۳) کتاب الخصال، تهران، نشر: علمیه اسلامیة.
۱۹. شیخ طوسی، علی بن حسن (۱۴۰۰ق)، **النهایه**، بیروت، ناشر: دار الکتاب العربی
۲۰. شیخ کلینی (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، الناشر: دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم.
۲۱. شیخ مفید، (۴۱۳ق)، **المقنعه**، ناشر: دار المفید و نشر اسلامی، بیروت و قم.
۲۲. صافی، لطف‌الله، **التعزیر و انواعه و ملحقاته**، قم، نشر جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۳.



۲۳. صدر، سید محمد، **ماوراءالفقه**، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۲۰ق.

۲۴. طاهری، حبیب‌الله، **حقوق مدنی**، قم، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ق.

۲۵. طباطبایی حائری، علی بن محمد (۱۲۳۱ق)، **ریاض المسائل**، نشر: آل بیت.

۲۶. طریحی، فخرالدین، **مجمع‌البحرین**، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.

۲۷. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲)، **مجمع البحرین**، نشر: تهران: مرتضوی.

۲۸. عاملی، زین‌الدین بن علی، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳ق.

۲۹. غزالی، ابی حامد؛ محمد بن محمد، **المستصفی** (۱۳۸۲ق)، جلد اول، نشر: دارالفکر.

۳۰. فرقانی، منصور (۱۳۷۹)، **مبانی فقهی و حقوقی جرائم و تادیب کودک**، تهران: سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

۳۱. فیومی، احمد بن محمد، **مصباح المنیر**، قم، مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۰۵ق.

۳۲. کاشانی، فیض (۱۳۸۳ق)، **المحجّة البيضاء**، ج ۴

۳۳. کرمی، رمضان، **بررسی و مقایسه اندیشه‌های تربیتی روسو با جان لاک**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اراک، ۱۳۸۵.



۳۴. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.

۳۵. معین؛ محمد (۱۳۵۰)، فرهنگ معین؛ ص ۱۰۱۵.

۳۶. مکارم، ناصر، **تغزیرات در روایات اسلامی**، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۲۸۶، ۱۳۶۶.

۳۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله، **تحریر الوسیله**، قم، نشر مؤسسه مطبوعات دار العلم، ۱۳۷۹.

۳۸. میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۳۷۱) جامع الشتات، نشر: تهران: کیهان، ۱۳.

۳۹. نجاشی، ابو الحسن، احمد بن علی، **رجال النجاشی**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ق.

۴۰. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق)، جواهر الکلام، نشر: جامعه مدرسین قم.

۴۱. یاری‌گرورش، محمد (۱۳۷۸)، تنبیه و کودک‌آزاری، نشر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، چاپ اول.

۴۲. محمدی، علی، **شرح اصول استنباط**، قم، انتشارات دارالفکر، چاپ سوم.



جهت همکاری با بنیاد علمی قانون یار در راستای برگزاری سمینار، کارگاه های آموزشی، کنگره و نشست های علمی با موسسه تماس بگیرید ۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ مدیر پژوهش ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

6th scientific conference of Ghanonyar Institute at the national level

ششمین همایش ملی جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان در جامعه

**مشاره ۲۴ ساعت به پژوهشگران
در خصوص نگارش و ارسال مقالات
۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵**

مخبرهای پذیرش مقالات پژوهشگران:

- ۱- پژوهش های مربوطه در حوزه پیشگیری از ارتکاب جرم و خودکشی
- ۲- شناخت علل و عوامل انحرافات جوانان در جامعه و ارائه راهکار عملی
- ۳- بررسی لزوم رعایت حجاب و آثار و پیامدهای آن در جامعه
- ۴- راهکارهای مبارزه با فقر، بی حجابی و فساد، اعتیاد، طلاق و
- ۵- پژوهش های مربوطه در راستای عدالت کیفری و عدالت ترمیمی
- ۶- تاثیر کیفر و مجازات در تکرار جرم و دستیابی به جامعه ای سالم
- ۷- شناسایی معضلات و اسباب های اجتماعی و ارائه راهکار حل مشکل

ایمیل همایش برای ارسال مقالات LOLOMENSANI@YAHOO.COM	کسیر علمی و مسئول همایش دکتر بهنام اسدی
مدیر هیأت سیاستگذاری همایش دکتر سیدمصطفی حسینی	ارسال مقاله از طریق پیام رسان ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۰۲
شماره تماس های دبیرخانه همایش ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶	مکان و زمان برگزاری همایش ۲۹ آذر- سالن همایش سازمان ارشاد برورد

لوگو حامیان معنوی و برگزار کنندگان همایش

ششمین همایش جرم شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان (نهاد برگزار کننده: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار) - برورد ۲۹ آذر ماه ۱۴۰۲